

بن نبشتهای

(اسناد و مدارک)

ایران کهن
www.ketab.ir

هوشنگ طالع

وضعیت فهرست‌نویسی: فیا موضوع: ایران — تاریخ — ۱۰۷۶۲ - ۱۴۲۸ ق.م. رده‌بندی کنگره: DSR ۱۳۹۵ ب ۲۹ / ط ۱۴۰ رده‌بندی دیویی: ۹۵۵/۰۱ شماره کتاب‌شناسی ملی: ۴۱۶۴۱۱۴	سرشناسه: طالع، هوشنگ ۱۳۱۲ عنوان و نام پدیدآورنده: بن‌نیشتهای ایران کهن / هوشنگ طالع مشخصات نشر: لنگرود - سمرقند، ۱۳۹۵ مشخصات ظاهری: ۲۰۰ صفحه شابک: ۹۷۸-۹۶۴-۷۷۵-۶۱-۸
---	--



انتشارات سمرقند

بن‌نیشتهای ایران کهن

هوشنگ طالع

چاپ سوم: زمستان ۱۴۰۲

چاپ دوم: اردیبهشت ۱۴۰۰ / چاپ نخست - ۱۳۹۶

شمارگان: ۴۰۰

طرح روی جلد و صفحه‌آرایی:

مریم‌السادات موسویان

شابک: ۹۷۸-۹۶۴-۷۷۵-۶۱-۸

همه حقوق چاپ و نشر این کتاب محفوظ است

نشانی: لنگرود - خیابان شهید جمشیدی - بن‌بست آرمان - شماره ۲۴۵

samarghandpub@yahoo .com

فهرست نوشته‌ها

- درآمد ۷
- پیش‌گفتار ۸
- دیدنی نو، بر علم تاریخ ۸
- دیدگاهی نوین برای شناخت رویدادها ۱۰
- دیباچه ۱۳
- ایران کهن، ایران باستان، ایران نو ۱۳
- از اسطوره به تاریخ ۱۴
- دفتر نخست: ایران کهن ۱۹
- یکم - هنگام‌شناسی تاریخ ایران کهن ۱۹
- دوره‌ها یا هزاره‌های دوازده‌گانه ۱۹
- دوم - ایران ویج ۲۵
- سوم - ایرگان یا ورگان ۳۰
- سوم - کوچ ایرانی‌ها (ایرها) ۳۲
- چهارم - فلات ایران ۴۰
- پنجم - بنیان‌گذاری نخستین دولت فراگیر ملی بر پهنه‌ی فلات ایران ۴۱
- ششم - خاندان‌های شاهنشاهی ایران در دوران کهن ۴۶
- هشتم - خیزش کاوه - فریدون (بازسازی دولت فراگیر ملی) ۴۷
- نهم - نبردهای ایرانیان و تورانیان در دوران کهن ۵۰
- دوره نخست ۵۰

- ۵۲ _____ الف - بخش کردن جهان از سوی فریدون
- ۵۲ _____ نخستین مرزبندی
- ۵۹ _____ ب - نخستین قراردادهای مرز
- ۶۱ _____ پ - پذیرش دوباره‌ی مرزبندی از سوی تورانیان
- ۶۴ _____ دوره دوم
- ۷۱ _____ گسل دولت فراگیر ملی
- ۸۳ _____ گفتار دوم
- ۸۳ _____ بن نبشته‌های (اسناد و مأخذ) ایران کهن
- ۸۳ _____ دفتر یکم - اوستای کهن
- ۹۰ _____ دفتر دوم - اوستای نو
- ۹۳ _____ بخش یکم - گاهان
- ۹۶ _____ بخش دوم - یسنه
- ۹۶ _____ بخش سوم - یشته‌ها
- ۹۸ _____ یکم - آبان یشته
- ۱۰۷ _____ دوم - تیر یشته
- ۱۰۸ _____ سوم - کوش یشته
- ۱۱۱ _____ چهارم - مهر یشته
- ۱۱۳ _____ پنجم - رشن یشته
- ۱۱۸ _____ ششم - فروردین یشته
- ۱۲۰ _____ هفتم - بهرام یشته
- ۱۲۱ _____ هشتم - رام یشته
- ۱۲۵ _____ نهم - ارت یشته
- ۱۲۷ _____ دهم - استاد یشته
- ۱۲۸ _____ یازدهم - زامیاد یشته
- ۱۳۶ _____ بخش چهارم - ویسپرد

بخش پنجم - خرده اوستا ۱۳۷

بخش ششم - ون دی داد ۱۳۸

گفتار سوم - چیترا دات ۱۴۷

گفتار چهارم - بن نبشت های دیگر ۱۵۲

یکم - یادگار زریر ۱۵۲

دوم - کتاب سکی سران ۱۵۸

سوم - کتاب بن کش (پیکار) ۱۵۹

چهارم - داستان رستم و اسفندیار ۱۶۰

پنجم - داستان پیران ویسه ۱۶۰

ششم - لهراسب نامه ۱۶۰

گفتار پنجم - دگر بن نبشت ها ۱۶۱

در رابطه با تاریخ، تمدن و فرهنگ ایران کهن ۱۶۱

یکم - دین کرت (دین کرد) ۱۶۱

دوم - بن دهش (بن دهشن) ۱۶۳

سوم - شهرستان های ایران ۱۶۶

چهارم - مینوی خرد ۱۶۶

پیوست ۱۷۱

دست کاری در تاریخ ایران ۱۷۱

یکم - تداوم بخشیدن به آیین زرتشتی چونان یک دین فراگیر ۱۷۵

دوم - کاستن از عمر جهان ۱۸۵

کتاب نامه ۱۸۹

نقشه‌ها _____ ۱۹۲

نقشه شماره یک: ایرگان یا ورگان _____ ۱۹۳

نقشه شماره دو: کوچ ایرها (ایرانی‌ها) _____ ۱۹۴

نقشه شماره سه: محور اورال - ایران - ماداگاسکار _____ ۱۹۵

نقشه شماره چهار: شاهنشاهی پیش‌دادیان (کیومرث) _____ ۱۹۶

نقشه شماره پنج: شاهنشاهی پیش‌دادیان (جمشید جم) _____ ۱۹۷

نقشه شماره شش: شاهنشاهی فریدونیان (منوچهر) _____ ۱۹۸

نقشه شماره هفت: شاهنشاهی کیانیان (کی کاووس) _____ ۱۹۹

نقشه شماره هشت: شاهنشاهی لهراسپیان (گشتاسب) _____ ۲۰۰

درآمد

بن نبشت های ملت ما، به ویژه در دوران کهن، بارها مورد دست برد و چپاول و نابودی قرار گرفته اند؛ به گونه ای که از انبوه بن نبشت های آن دوران، تنها اسناد و مدارک اندکی به دست ما رسیده اند.

آگاهی بر این بن نبشت ها، برای آشنایی با دورانی از تاریخ میهن ما که میان سال های ۱۰۷۶۲ تا ۱۴۳۸ پیش از میلاد مسیح / ۱۱۸۳ تا ۲۰۰۰ پیش از هجرت پیامبر از مکه به مدینه یا به گفته ی دیگر از استقرار ایرها (ایرانی ها) در ایران و پنج تفر و پاشی نخستین دین - دولت زرتشی را در بر می گیرد، از حساسیت ویژه ای برخوردار است.

با خواندن این بن نبشت ها و رمز گشایی از آن ها، دریچه ی نوینی به روی ما، برای بازشناسی بخش بزرگی از تاریخ میهن مان، گشوده می شود.

امید چنان است که با انجام پژوهش های بیش تر و ژرف تر بر روی این بخش از تاریخ ایران زمین، ژرفای تاریخی کهن سال ترین ملت جهان و نیز بزرگی و عظمت این فرهنگ و تمدن درخشان را بهتر و گسترده تر به هم میهنان و جهانیان بازشناسانیم. ایدون باد

۲۹ بهمن ماه ۱۳۹۴ (روز مهر ایرانی)

هوشنگ طالع

پیش‌گفتار

دیدنی نو، بر علم تاریخ

موری بر تنه‌ی درختی لانه داشت. آوندی از آن درخت، چونان جویباری از کنار آن لانه می‌گذشت و همواره بر مور، زمزمه می‌کرد.

روزی آن مور به پی‌جویی برخاست و با سنگینی خود، روی به پایین نهاد. همراه آوند برفت، تا به پشته‌های درخت رسید. همراه آن ریشه‌ها، ژرفای زمین را کاوید و با دانش بسیار به لانه بازگشت.

او می‌دانست که «آوند» همه آب و خوراک را چگونه از دل خاک برمی‌گیرد.

مور دانشمند، روزی شاهین مغرب‌ی را از دانش خود باخبر ساخت.

شاهین گفت: راست است، چنین می‌آورند؛ اما می‌دانی به کجا می‌برند؟ و میدانی اگر برای آن «بردن» نبود، هرگز نمی‌آوردند؟

(دکتر محمدرضا عاملی «آوند: سونالیسم چون یک علم»)

بیش‌تر مردم، درس تاریخ را شرح رخ دادهای گذشته می‌دانند. با این برداشت، تاریخ به صورت درسی زاید و حدیثی بر مردگان جلوه‌گر می‌شود. گاه نیز به طعنه می‌گویند: تاریخ مربوط به گذشته‌هاست، بهتر است از مسایل امروز سخن بگوییم.

باید دانست که تاریخ، تنها شرح حوادث گذشته نیست؛ بلکه تاریخ، علمی است برای توجیه هستی‌ها و رویدادهای امروز، در راستای شناخت سیمای مطلوب جهان فردا.

با این نگرش، علم تاریخ به معنای نوین آن، علمی است که استعدادهای یک ملت را که واقعیت‌های جهان فردا خواهند بود، به ما می‌شناساند.

درست است که در بررسی‌های تاریخی، سروکارمان با گذشته است؛ اما این بدان منظور نیست که گذشته را تنها در قالب گذشته بشناسیم.

پی‌جویی درباره‌ی علل موجودیت‌های کنونی، گاه ما را به زمان‌های نزدیک و گاه، به زمان‌های بسیار دور می‌کشاند. برآیند همین بررسی‌هاست که استعدادهای یک ملت را برای

حرکت به سوی آینده نشان می‌دهد و تاثیر سامان‌های گوناگون فکری را بر پیکره‌ی ملت‌ها، آشکار می‌کند.

سرانجام همین بررسی‌هاست که خمیر مایه‌هایی را که در آینده قابل به کارگیری خواهند بود، به ما می‌نمایاند. باید بدانیم که علم تاریخ و بررسی‌های تاریخی است که اراده‌ی ملت‌ها را در آینده‌ی آن‌ها، موثر می‌سازد؛ زیرا:

واقعیت‌های جهان فردا، در قالب استعداد‌های جامعه‌ی امروز وجود دارد.

مردم می‌توانند با توجه به استعداد‌های موجود، به پرورش جنبه‌ی ویژه‌ای از آن پرداخته و جامعه را به سوی گزینه‌ای که استعداد آن را دارد، به حرکت آورند. البته این سخن، بدان معنا نیست که اجتماع می‌تواند هر تحولی را که دل‌خواه اوست، از قوه به فعل درآورد؛ بلکه جامعه، تنها توان پیاده کردن برنامه‌هایی را دارد که موجبات آن در نهاد جامعه، وجود داشته باشد.

در این برداشت از مساله، جامعه چونان شخصیتی است که می‌تواند، استعدادی را بر استعداد دیگری ترجیح داده و در این فرآیند، به آینده شکل ویژه‌ای ببخشد.

عامل گزینش نیز خود از پدیده‌ها و نهاد‌های اجتماعی است؛ اما اثر آن، معطوف به آینده است. به گفته‌ی دیگر: اثری که گذشته و حال، بر آینده می‌گذارند، موجب پدید آمدن نیرویی می‌گردد که کشش آن بر زمان حال، احساس می‌شود.

هنگامی که ساختمانی برپاست، می‌توان تاریخ ساخت آن را در قالب برخی از حوادث گذشته، بررسی کرد. یعنی: می‌توان مشخص کرد که «پی» ساختمان در چه زمانی کنده شده، چه زمانی دیوارهای آن را ساخته‌اند و چه زمانی، درهای آن را نصب کرده‌اند و...

اما ساختمانی که هنوز ساخته نشده است، با کشش خود، برنامه‌ی کار را نشان می‌دهد. در اصطلاح می‌گویند: ساختمان به این شمار «آجر»، به این شمار «در» و...، نیاز دارد.

گذشته‌ها، تنها امروز را نساخته‌اند؛ بلکه فردا را نیز خواهند ساخت.

تاریخ به ما نشان می‌دهد که با چه استعدادی، امروز پدید آمده است و با استعداد‌های موجود، چگونه فردایی پدید خواهد آمد. سرانجام، تاریخ به ما می‌نماید که کدام یک از حرکت‌هایی که امروز وجود دارد، ناشی از کشش جهان فرداست.

خواسته‌های یک ملت، عبارت است از کشش‌هایی که جهان فردای آن ملت، بر مردم امروز تحمیل می‌کند، تحمیلی دل‌پذیر که امروز با هزاران وسیله، موجبات آن را فراهم می‌سازیم.

دیدگاهی نوین برای شناخت رویدادها

چون از فراز می‌نگریستم، دو هیولا بر کوه «گذشته» و «آینده» با هم به گفتگو بودند، گاه نرم و شیرین، گاه تند و، تلخ.

چون فرود آمدم، دیگر از آن دو هیولا، هیچ دیده نمی‌شد. دشت «امروز» پر از مردمان بود که هر یک بهر خود می‌کوشیدند. پیکر جداسازشان، چون پرده، رازشان می‌پوشید. و چون پرده برداشتم، دو هیولای «گذشته» و «آینده» را دیدم که هر یک به هزارها پارچه، بخفی شده در میان آدمیان به همان گفتگو سرگرم بودند که از فراز دیده بودم.

(دکتر محمدرضا عاملی «آزیر»: ناسیونالیسم چون یک علم)

چنین دریافتی از تاریخ، با برداشت رایج از آن، به عنوان شرح حوادث گذشته تفاوت بسیار دارد. ظرفیت اجتماع «آن چه که اجتماع در قوه دارد» و آینده آن را به «فعل» در خواهد آورد، با آن چیزی که هم اکنون اجتماع «بالفعل» در اختیار دارد و در گذشته «ظرفیت اجتماع» را تشکیل می‌داده، دارای ارتباطی ناگسستنی است. کوتاه سخن این که:

حوادث گذشته با موجودیت‌های کنونی، دارای پیوند گسست ناپذیری‌اند. در حالی که در تاریخ نویسی ساده، تنها به توضیح حوادث اکتفا می‌گردد و از توضیح رشته‌هایی که حوادث را به هم پیوند داده است، غفلت می‌شود.

درک ملت‌گرایانه از تاریخ، عبارت است از شناخت حوادث و رویدادهای گذشته، با توجه به رشته‌های پیوند آنان با یکدیگر. این رشته‌ها، بر بعد زمان جای گرفته و هم‌چنان که از گذشته به حال کشیده شده است، از حال نیز در گذشته و به آینده می‌پیوندند. بر پایه‌ی این آگاهی، می‌توان بستر حوادث آینده و یا به گفته‌ی دیگر، ظرفیت‌های «امروز» را شناخت.

شناخت گذشته، امروز و آینده، چونان دانه‌های تسبیح است. در بررسی‌های تاریخی به

روش سنتی، تنها به شرح ساده‌ای از هر یک از دانه‌های تسبیح پرداخته می‌شود و از رشته‌ای که آنان را به هم می‌پیوندد و بخش بزرگی از آن، زیر دانه‌ها پنهان است، غافل می‌مانند. در حالی که برای شناخت مسیر دانه‌ها، آگاهی به شکل رشته‌ی پیوند دهنده‌ی آن‌ها، از دانستن شکل یکایک دانه‌ها، ضروری‌تر است.

تسبیحچه

ایران کهن، ایران باستان، ایران نو

www.ketab.ir

دیباچه

ایران کهن، ایران باستان، ایران نو

تاریخ پر فراز و نشیب و بسیار دراز ایران را می‌توان سه بخش کرد که عبارتند از:

ایران کهن، ایران باستان و ایران نو.

ایران کهن که درباره‌ی آن، پژوهش‌های تاریخی، تمدنی و فرهنگی اندکی به عمل آمده است، درازترین بخش تاریخ تمدن و فرهنگ ایران مرزمین را در بر می‌گیرد.

تاریخ ایران کهن از استقرار ایرانی‌ها در ایران و یعنی از سال ۱۰۷۶۲ پیش از میلاد مسیح (۸۹۹۴ پیش از میلاد زرتشت / ۱۱۳۸۳ پیش از هجرت پیامبر از مکه به مدینه) تا پایان کار دین - دولت باورمند به آیین زرتشت در خاور ایران در سال ۱۴۳۸ پیش از میلاد مسیح (۳۳۰ میلاد زرتشت / ۲۰۵۹ پیش از هجرت پیامبر از مکه به مدینه) را در بر می‌گردد.

ایران باستان، فاصله فروپاشی نخستین دین - دولت باورمند به آیین زرتشت در سال ۱۴۳۸ پیش از میلاد (۳۳۰ میلاد زرتشت / ۲۰۵۹ پیش از هجرت) تا فروپاشی دومین دین - دولت باورمند به همان آیین، در اثر یورش عربان در سال ۳۰ خورشیدی (۲۴۱۹ م / ۶۵۱ م) می‌پاید و پس از آن، دوره‌ای در تاریخ ایران آغاز می‌گردد که می‌توان از آن به عنوان ایران نو (یا به گفته‌ی پاره‌ای تاریخ‌نویسان: دوران اسلامی) نام برد.

در برابر عنوان کهن و باستان، عنوان ایران نو، نام‌گذاری درستی است؛ زیرا اشاره به «دین حاکم» در یک دوره، تاریخ دراز ما را با بخش‌بندی‌های نادرستی مانند: دوران مزدایی، دوران زرتشتی، دوران تساهل و تسامح دینی، دوران مهرآیینی و دوباره، دوران زرتشتی و ...، روبرو می‌سازد.